

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

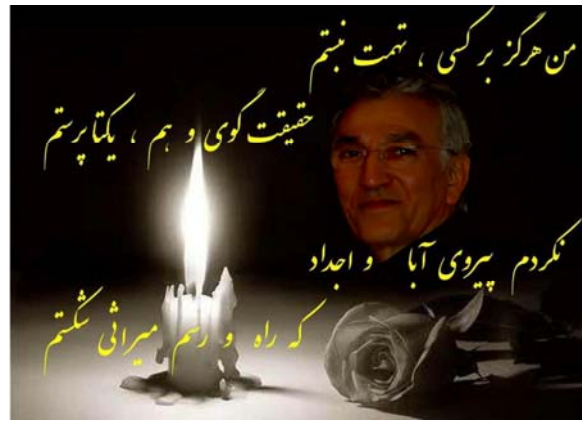
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده
۰۴ نوری ۲۰۲۰



از سرِ اخلاص

افضلی! ای سید والا گهر
می کشی هر بار، ز رزم به بزم
کردی ز گفتار بزرگان رقم
چشم، ولی چیزکی از درد دل
یک کمی از رزم و کمی هم ز بزم
گرچه خودت شاهدی، بر ماجرا
حال، فقط عصری که با همدگر
وحدتی بر عالم انسانی و
وحدتی بر باور و اندیشه و
حاصل هر رزم بود در جهان
گفتم و از بسکه نوشتیم ز رزم
سودی نبخشید و نکرد فایده
چاره نباشد به جز از انقلاب
لیک نه با خشم و نه با قهر و جنگ

از ره انصاف به ما کن نظر
هروی، گه باز و گهی بسته در
از قفس و رخنه و تک بیت تر
کرده رقم، بعد شوم همسفر
بشنو و با چشم دلت مینگر
رزم دگر هیچ ندارد ثمر
منطق و از عقل و خرد، بهره ور
وحدتِ مُستحکم نوع بشر
قوم و نژاد است، کنون به خور*
ماتم و اندوه و غم، سر به سر
خسته شدی خامه طبعم دگر
گوئی جهان پُر شده، از کور و کر
این، سخن و حرف و گپی مختصر
صلح و صفا را همه بر خود سپر

بزم، ضرورت بُودا بیشتر
از دم صبح تا به شب و تا سَکَر
رزم به خود می کشدم با هنر
رزم به جایش عجباً مُسْتَقَر
بیت و به مصراع، به خون جگر
شایدم از قافیهِ کل بیخبر
بزم دهد زندگی با عِزّ و قَر
هروی و افضلی، صاحبنظر
است به «نعمت» به خدا معتبر

از سر اخلاص رَقَم کرد ما
می تپدا قلب من از بهر بزم
هر دم و آنی که مرا شوق بزم
بزم فراموش شد از روزگار
قافیه ها تازه شد و تازه تر
کس نه توجه و نه چیزی نوشت
رزم، کشاند همه را بر عدم
حال قضاوت به شما، ای جناب
آنچه که فرمان پَرَسَد از شما

* به خُور = مناسب و لایق و شایسته و سزاوار